ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان

خدیجه علوی[۱]، محمدعلی اصغری مقدم [۲]، عباس رحیمی نژاد[۳]، حجت‌اله فراهانی [۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۲ پذیرش اولیه: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۳/۱۳

چکیده

هدف مطالعه حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخهٔ فارسی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان بود. بدین منظور، فرآیند ترجمه و ترجمه معکوس برای تهیه نسخه فارسی پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان انجام شد. از ۵۲۱ نفر دانشجویان سه دانشگاه در تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، به همراه پرسشنامه-های افسردگی بک و هراس اجتماعی پاسخ دادند. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از اعتبار سازه (تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی) و اعتبار همگرا استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش‌های آلفای کرونباخ، پایایی دونیمه‌سازی، و ضریب پایایی بازآزمایی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، حاکی از وجود دو عامل دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت و دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی، مؤید ساختار به دست آمده در تحلیل عاملی اکتشافی بود و با مدل اصلی پیشنهاد داده شده پرسشنامه تفاوت داشت. ضرایب آلفای کرونباخِ کل پرسشنامه و عامل‌های تشکیل-دهنده آن در دامنه ۰/۷۷ تا ۰/۸۶ و ضرایب اسپیرمن- بروان در دامنه ۰/۷۷ تا ۰/۸۸ بود. همچنین ضرایب پایایی بازآزمایی در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۷۹ به دست آمد. نتایج این مطالعه نشان داد این پرسشنامه از ویژگی های روانسنجی مناسبی در جامعه ایرانی برخوردار است.

واژگان کلیدی: دوسوگرایی در ابراز هیجان، تحلیل عاملی ، اعتبار، پایایی

Psychometric properties of Ambivalence over Emotional Expression Questionnaire

Khadije Alavi, Mohammad Ali Asghari Moghadam, Abbas Rahiminezhad, Hojatolah Farahani

Abstract

The aim of this study was to investigate the psychometric properties of Persian language version of the ambivalence over emotional expression questionnaire (AEQ). Translation-back translation was used to prepare the Persian version of AEQ. A convenience sample of ۵۲۱ students from three universities in Tehran in ۲۰۱۵-۲۰۱۶ was examined. We assessed validity of the questionnaire by construct validity (via exploratory factor analysis and confirmatory factor analysis) and convergent validity. Cronbach alpha, split half reliability, test-retest reliability coefficients were used for assessing reliablity. Exploratory factor analysis of AEQ's items showed two factors named ambivalence over expression of positive emotions and ambivalence over expression of negative emotions. Confirmatory factor analysis confirmed the factor structure resulted from exploratory factor analysis which was different from the proposed factors in original questionaire. For total questionnaire and two extracted factors, Cronbach alphas were between ۰,۷۷ and ۰,۸۶, the Spearman–Brown coefficients were between ۰,۷۷ and ۰,۸۸ and the test- retest reliability coefficients were between ۰,۷۲ and ۰,۷۹. The results of this study indicated that this questionnaire have appropriate psychometric properties among Iranian Population.

Keywords: Ambivalence over Emotional expression, factor analysis, Validity, Reliability

۱. دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران

۲. (نویسنده مسئول). استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران asghari۷a@gmail.com

۳. دانشیارگروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. استادیار علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی ، تهران، ایران.

*مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری تخصصی نویسنده اول است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]

[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

مقدمه

پژوهشگران بر این باورند که بین مشکل در سازگاری هیجانی و مشکلات مرتبط با سلامت روان، رابطه وجود دارد (آلبانی[۱] و همکاران، ۲۰۰۷؛ برگمن، کامینگز، و دیویس[۲]، ۲۰۱۴). یکی از مفاهیم مهم مطرح در رابطه با سازگاری هیجانی، «دوسوگرایی در ابراز هیجان» است. این مفهوم برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط کینگ و امونز[۳] مطرح شد. به اعتقاد این دو پژوهشگر، ابراز یا عدم ابراز هیجان، به خودی خود نمی‌تواند مشکل‌ساز باشد؛ بلکه آنچه مشکل ایجاد می‌کند تعارض یا دوسوگرایی است که فرد در ابراز هیجان تجربه می‌کند (کینگ و امونز، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱). دوسوگرایی در ابراز هیجان به معنای تردید داشتن نسبت به ابراز هیجان تعریف می‌شود؛ در دوسوگرایی، فرد هم-زمان هم تمایل به ابراز هیجان و هم تمایل به بازداری آن را تجربه می‌کند (امونز و کینگ، ۱۹۸۸). در واقع می‌توان گفت بین سبک مورد علاقه فرد و سبک معمول وی در رابطه با ابراز هیجان، تعارض وجود دارد (وینکلمن[۴]، ۲۰۰۰).

دوسوگرایی در ابراز هیجان دارای انواع مختلفی است. گاهی فرد، تمایل به ابراز هیجان دارد ولی توانایی انجام آن را ندارد؛ ممکن است بدون تمایل، هیجانی را ابراز کند؛ یا این‌که هیجانی را ابراز کند و سپس از این کار پشیمان شود (کینگ و امونز، ۱۹۹۰). هرچند بر اساس این تعریف، فرد دوسوگرا می‌تواند ابرازگر یا غیرابرازگر باشد، نتایج بررسی‌های کینگ و امونز نشان می‌دهد که بین نمره افراد در پرسشنامهٔ ابرازگری هیجان[۵] و نمره‌های پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان[۶]، همبستگی منفیِ معنی‌داری وجود دارد (کینگ و امونز، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱؛ کینگ، ۱۹۹۸؛ کینگ و همکاران، ۱۹۹۲)؛ به عبارت دیگر، افراد دوسوگرا غالباً غیرابرازگر هستند؛ چرا که کمتر احتمال دارد، افراد بر اساس تمایلات یا سبکی که نسبت به آن احساس دوسوگرایی دارند، عمل کنند (امونز و کینگ، ۱۹۸۸).

پژوهش‌ها از رابطه بین دوسوگرایی در ابراز هیجان با دامنهٔ وسیعی از آسیب‌های روانی حمایت می‌کنند. پژوهش‌های کینگ و امونز نشان می‌دهند که دوسوگرایی در ابراز هیجان با سطوح بالاتر جسمانی‌سازی، افسردگی، اضطراب، عاطفهٔ منفی، گرایش‌های وسواسی- جبری، خصومت، هراس، عقاید پارانوئید، روان‌پریشی‌گرایی، حساسیت بین‌فردی، ترس از صمیمیت، و سردرگمی در درک و فهم حالات چهره‌ای در دیگران و همچنین سطوح پایین‌تر عزت نفس، رضایت از زندگی، رضایت‌مندی زناشویی و حمایت اجتماعی رابطه دارد (کینگ و امونز، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱؛ کینگ، ۱۹۹۳؛ ۱۹۹۸؛ امونز و کلبی[۷]، ۱۹۹۵).

سایر پژوهشگران نیز در مطالعات خود، نتایج مشابهی را گزارش کرده‌اند. به عنوان مثال در مطالعه آلبانی و همکاران (۲۰۰۷) دوسوگرایی در ابراز هیجان با افسردگی، خشم و خستگی، رابطهٔ مثبت و با عملکرد اجتماعی، کیفیت زندگی و نگرش مثبت رابطهٔ منفی معنی‌دار داشت. جی‌سون[۸] و همکاران (۲۰۰۸) بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و افسردگی، جسمانی‌سازی و فراوانی تجربه استرس رابطهٔ مثبت مشاهده کردند. بون اوی[۹] (۲۰۱۳) نیز بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و آشفتگی، اضطراب و افسردگی رابطهٔ مثبت گزارش کرده است. به همین ترتیب در مطالعه وینکلمن (۲۰۰۰) دوسوگرایی در ابراز هیجان با افسردگی، اندیشناکی[۱۰]، اضطراب و استرس رابطهٔ مثبت و با عزت نفس و رضایت از زندگی رابطهٔ منفی نشان داد. در مطالعهٔ کتز و کمپبل[۱۱] (۱۹۹۴) نیز دوسوگرایی در ابراز هیجان پیش‌بینی کنندهٔ مشکلات مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی از جمله افسردگی بود. در مطالعه مونگرین و زاروف[۱۲] (۱۹۹۴)، دوسوگرایی در ابراز هیجان، قوی‌ترین میانجی در رابطهٔ بین وابستگی و افسردگی و همچنین رابطهٔ بین خود-انتقادی و

۱. Albani
۲. Bergman, Cummings & Davies
۳. King & Emmons
۴. Winkelman
۵. Emotional Expressiveness Questionnaire
۶. Ambivalence over Emotional Expression Questionnaire
۷. Colby
۸. Ji Sun
۹. Boon ooi
۱۰. Rumination
۱۱. Katz & Campbell
۱۲. Mongrain & Zuroff

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

افسردگی بود. در مطالعه تاکر[1] و همکاران (۱۹۹۹)، نمرات دوسوگرایی در ابراز هیجان با شاخص‌های اضطراب/ افسردگی، دلواپسی[2]، و همچنین روش‌های مقابله‌ای ناسازگارانه از جمله پناه بردن به خیال‌پردازی[3]، فاصله‌گیری و دنبال مقصر گشتن رابطه مثبت و با رضایت از زندگی، رابطه منفی نشان داد. در مطالعهٔ کراس[4] و همکاران (۲۰۰۰) نمره‌های دوسوگرایی در ابراز هیجان، با نمره‌های شاخص‌های افسردگی و اختلال خوردن، همبستگی مثبت داشت. در پژوهش کوئینتون و واگنر[5] (۲۰۰۵) نیز نمرهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان توانست نمره شرکت-کنندگان را در شاخص اختلالات خوردن پیش‌بینی کند. در پژوهش اسپوکاس[6] و همکاران (۲۰۰۰)، افراد با اضطراب اجتماعی بالا در مقایسه با افرادِ با اضطراب اجتماعی پایین، دوسوگرایی در ابراز هیجانِ بیشتری گزارش کردند. همچنین در مطالعهٔ ایوانوا[7] (۲۰۰۶)، دوسوگرایی در ابراز هیجان توانست رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. در مطالعهٔ تاوسند[8] (۲۰۰۳) نیز دوسوگرایی در ابراز هیجان، پیش‌بینی-کنندهٔ سازگاری اجتماعی، سازگاری شخصی-هیجانی، افسردگی، خصومت، ترس و اضطراب[9]، معذب بودن در جمع[10]، جسمانی‌سازی، و وسواس فکری و عملی بود. در مطالعهٔ چوی و سو[11] (۲۰۱۵) دوسوگرایی در ابراز هیجان با پذیرش ادراک شده والدین، رابطهٔ منفی و با طرد والدین و بهزیستی ذهنی رابطهٔ مثبت داشت. علاوه بر این، در مطالعه دیبایی و همکاران (۱۳۸۸)، دوسوگرایی در ابراز هیجانِ مادران با اضطراب فرزندان مبتلا به سرطان، رابطهٔ مثبت نشان داد.

از سوی دیگر پژوهش‌ها، دوسوگرایی در ابراز هیجان را با سلامت جسمانی نیز مرتبط می‌دانند؛ هرچند این رابطه به اندازه رابطهٔ این متغیر با بهزیستی روان‌شناختی، پایا نیست (کتز و کمپبل، ۱۹۹۴). به عنوان مثال، مطالعهٔ سرویس[12] و همکاران (۱۹۹۹) حاکی از رابطه بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و سرطان است. با این‌حال در مطالعهٔ کتز و کمپبل، دوسوگرایی در ابراز هیجان با بهزیستی روان‌شناختی رابطه نشان داد؛ اما با سلامت جسمانی رابطه نشان نداد. در مطالعهٔ وینکلمن (۲۰۰۰) نیز، دوسوگرایی در ابراز هیجان با نمره افراد در شاخص پن‌بیکر[13] که یک شاخص بررسی علائم جسمانی است، ارتباط مثبت معنادار داشت؛ اما با میزان مراجعه به پزشک طی یک سال گذشته رابطه نداشت. همچنین پن‌بیکر و همکاران (۱۹۸۷) نشان داده‌اند که بازداری فعالانهٔ مسائلِ دارایِ بار هیجانی، با سطوح بالاتر برانگیختگی خودکار، مرتبط است.

در مجموع، ادبیات پژوهشی، بر اهمیّت نقش متغیر دوسوگرایی در ابراز هیجان در تعیین سلامت، آسیب روانی و تا حدودی مشکلات جسمانی، تأکید دارد؛ از این‌رو به نظر می‌رسد ضروری است که پژوهشگران و متخصصّان بالینی، این مؤلفه را در بررسی‌های آسیب‌شناسی خود، مورد توجّه قرار دهند. برای رسیدن به این مهم، نخستین گام، آماده‌سازی یک شاخص مناسب برای ارزیابی دوسوگرایی در ابراز هیجان است. بر مبنای ادبیات پژوهشی موجود، پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان[14] (AEQ) که توسط کینگ و امونز (۱۹۹۰) ساخته شده است، پرکاربردترین ابزار در سنجش دوسوگرایی و تعارضی است که افراد در رابطه با ابراز هیجان‌های خود، تجربه می‌کنند. این پرسشنامه در شمار قابل توجهی از مطالعات به‌کار گرفته شده است. با این‌وجود تاکنون در ایران، تنها در یک مطالعه (رفیعی‌نیا، ۱۳۸۰) همسانی درونیِ پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، مورد بررسی قرار گرفته است و بررسی جامع‌تری از ویژگی‌های سنجشی این پرسشنامه موجود نیست. نسخهٔ فارسی موجود از پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، فاقد اعتبار روان‌سنجی کافی است، ولی در پژوهش‌های داخلی متعددی مورد استفاده قرار گرفته است (به عنوان مثال شاهی صدرآبادی،

[1]. Tucker
[2]. concern
[3]. Escape into fantasy
[4]. Krause
[5]. Quinton & Wagner
[6]. Spokas
[7]. Ivanova
[8]. Townsend
[9]. Phobic anxiety
[10]. social discomfort
[11]. Choi & Suh
[12]. Servaes
[13]. Pennebaker Inventory of Limbic Languidness (PILLS)
[14]. Ambivalence over Emotional Expression Questionnaire

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

خسروی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۳؛ حسنی و بمانی، ۱۳۹۴؛ طاهری، شاهقلیان، و کاشفی نیشابوری، ۱۳۹۳). از این‌رو با توجه به اهمیت دوسوگرایی در ابراز هیجان به عنوان یک عامل مهم در آسیب‌شناسی روانی و علاقهٔ پژوهشگران ایرانی به مطالعهٔ این سازه از یک سو و با عنایت به این‌که استفاده از ابزار فاقد اعتبار و فاقد پایایی قابل قبول، اعتبار نتایج مطالعات را مخدوش می‌سازد، مطالعهٔ حاضر با هدف فراهم‌سازی نسخهٔ فارسی قابل قبولی از پرسشنامه دو سوگرایی در ابراز هیجان، به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامهٔ یاد شده پرداخته است.

روش

الف)جامعه و نمونه

جامعه آماری مطالعهٔ حاضر را دانشجویان دانشگاه شاهد، دانشگاه تهران، و دانشگاه علوم پزشکی آزاد واحد تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ تشکیل می‌دهند. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری در دسترس، استفاده شد. ملاک‌های ورود عبارت بودند از دانشجو بودن و قرار گرفتن در دامنهٔ سنی ۱۸ تا ۳۲ سال. ملاک خروج، سن بیش از ۳۲ سال بود. بر مبنای نظر براون[۱] (۲۰۰۶) که معتقد است تحلیل عاملیِ تأییدی به منظور بررسی اعتبار مدلِ به دست آمده در تحلیل عاملیِ اکتشافی، باید در یک نمونهٔ مجزا و متفاوت با نمونه‌ای که در تحلیل عامل اکتشافی مورد استفاده قرار گرفته است، انجام شود و از آنجا که هدف مطالعهٔ حاضر بررسی تحلیل عاملی اکتشافی و سپس تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه بود، حجم نمونه بر اساس هر یک از این تحلیل‌ها تعیین و مجموع نمونه مورد نیاز، مشخص شد. از این‌رو بر اساس توصیه اوریت[۲] (۱۹۷۵) و گارسون[۳] (۲۰۰۸) که نسبت نفر به تعداد سوال[۴] ۱۰ به ۱ را برای تحلیل عاملی، پیشنهاد کرده‌اند و همچنین بر مبنای نظر کامری و لی[۵] (۱۹۹۲) که برای تحلیل عاملی، حجم نمونهٔ ۳۰۰ نفر را خوب، حجم نمونهٔ ۵۰۰ نفر را بسیار خوب و حجم نمونهٔ ۱۰۰۰ نفر را عالی دانسته‌اند، حجم نمونه برای تحلیل عاملی اکتشافی ۳۰۰ نفر تعیین شد. برای بخش دوم مطالعه که تحلیل عاملی تأییدی است، نمونه مجزایی در نظر گرفته شد. در این بخش بر مبنای دیدگاه میرز[۶] و همکاران (۲۰۱۱) که حجم نمونهٔ حداقل ۲۰۰ نفری را برای تحلیل عاملی تأییدی توصیه کرده‌اند، حجم نمونه ۲۰۰ نفر تعیین شد. بر این اساس مجموع حجم نمونه مورد نیاز برای این مطالعه ۵۰۰ نفر در نظر گرفته شدکه با در نظر گرفتن احتمال ریزش، ۲۰ درصد به این میزان افزوده شد و ۶۰۰ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. از این تعداد، ۵۲۱ پرسشنامه، شرایط ورود به تحلیل را دارا بودند. از ۵۲۱ نمونه یاد شده ۳۰۰ نمونه به طور تصادفی وارد مطالعه تحلیل عاملی اکتشافی شدند و ۲۲۱ نفر باقی مانده به مطالعه تحلیل عاملی تأییدی اختصاص یافتند.

ب) ابزار

۱. پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان[۷] (AEQ): این پرسشنامه دارای ۲۸ عبارت است. در مطالعهٔ کینگ و امونز (۱۹۹۰)، تحلیل عاملی اکتشافی نشان‌دهندهٔ ساختار دو عاملی برای پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان بود. این دو عامل عبارتند از: دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت (همانند عشق و محبت) و دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن[۸] (یعنی هیجان‌هایی مانند خشم و حسادت). در این مطالعه، پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان، همسانی درونی بالا (آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای کل پرسشنامه، ۰/۸۷ برای خرده مقیاس دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت و ۰/۷۷ برای خرده‌مقیاس دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن) و پایایی بازآزمایی مناسبی (۰/۷۸ بعد از ۶ هفته) را نشان داد. همچنین در این پژوهش، اعتبار همگرای این پرسشنامه از طریق همبستگی مثبت معنادار با پرسشنامهٔ دوسوگرایی شدید رالین[۹] (۱۹۸۴) و پرسشنامه افسردگی بک (۱۹۷۴) تأیید شد.

۱. Brown
۲. Everitt
۳. Garson
۴. Subject to item ratio
۵. Comrey & Lee
۶. Myers
۷. Ambivalence over Emotional Expression Questionnaire
۸. Ambivalence over emotions of entitlement
۹. Raulin Ambivalence Scale

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

در ایران این پرسشنامه را رفیعی‌نیا (۱۳۸۰) بررسی کرده است. در مطالعهٔ وی ضرایب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ و برای خرده‌مقیاس‌های دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت و دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن، به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۷ به دست آمد. عبارت‌های پرسشنامه روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات از ۲۸ تا ۱۴۰ متغیر است.

برای تهیه نسخه فارسی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، ابتدا این پرسشنامه توسط نویسندهٔ اول به فارسی ترجمه شد، سپس نسخه ترجمه شده توسط سه تن از استادان روان‌شناسی مسلط به زبان انگلیسی، با متن اصلی تطبیق داده شد و مورد بازنگری قرار گرفت. پس از آن متن نهایی شده، توسط یک مترجم که نسخه اصلی پرسشنامه را رؤیت نکرده بود، به انگلیسی برگردانده شد (بازترجمه). متن انگلیسی یاد شده توسط نویسنده اول با متن اصلی مقایسه شد تا مطابقت این دو نسخه محرز شود. در عبارت‌هایی که بازترجمه با متن اصلی مطابقت زیادی نداشت، بازنگری ترجمه فارسی و انجام بازترجمه توسط مترجم بی‌اطلاع از نسخه اصلی، تا زمان دست‌یابی به مطابقت قابل قبول ادامه یافت.

۲. *ویرایش دوم پرسشنامهٔ افسردگی بک (BDI-II)*: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۶ و توسط بک و همکاران ارائه شد. پرسشنامهٔ افسردگی بک (ویرایش دوم) دارای ۲۱ مادهٔ چندگزینه‌ای است. این پرسشنامه به عنوان یکی از بهترین شاخص‌های خود-گزارشیِ افسردگی پذیرفته شده است (دزوایس و دابسون[۱]، ۲۰۱۰). پرسشنامهٔ یادشده همسانیِ درونی خوبی را در میان دانشجویان و بیماران سرپایی نشان داده است (آلفای کرونباخ ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ در دانشجویان و ۰/۹۲ در بیماران سرپایی). همچنین این پرسشنامه، پایایی آزمون- بازآزمون بالایی را نشان داده است (۰/۹۳). اعتبار همگرا و تفکیکی پرسشنامهٔ افسردگی بک نیز در مطالعات متعدد، تأیید شد (دزوایس و دابسون، ۲۰۱۰). نسخهٔ فارسی این پرسشنامه در پژوهش قاسم‌زاده و همکاران (۲۰۰۵) مورد بررسی قرار گرفت.

[۱]. Dozois & Dobson

در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۷۴ به‌دست آمد. در پرسشنامه افسردگی بک، هر ماده آزمون بر اساس شدت، بر روی یک مقیاس ۴ گزینه‌ای، نمره‌ای از ۰ تا ۳ دریافت می‌کند؛ بر این اساس نمره کل پرسشنامه در دامنه‌ای از ۰ تا ۶۳ قرار می‌گیرد (دزوایس و دابسون، ۲۰۱۰).

۳. *پرسشنامهٔ هراس اجتماعی[۲] (SPIN)*: پرسشنامهٔ هراس اجتماعی یک پرسشنامه ۱۷ عبارتی است که شدت هراس اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه دارای سه خرده‌مقیاس است: ترس، اجتناب و برانگیختگی فیزیولوژیک. در پرسشنامهٔ هراس اجتماعی، هر عبارت روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) نمره‌گذاری می‌شود (کانر[۳] و همکاران،۲۰۰۰). این پرسشنامه پایایی و اعتبار مناسبی را نشان داده است؛ آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه از ۰/۸۲ تا ۰/۹۵ و برای خرده‌مقیاس ترس، ۰/۶۸ تا ۰/۹۱، خرده‌مقیاس اجتناب ۰/۷۰ تا ۰/۹۱، و خرده‌مقیاس برانگیختگی فیزیولوژیک ۰/۵۷ تا ۰/۸۰ گزارش شده است. همچنین پایایی بازآزمایی این پرسشنامه بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ به دست آمده است. به علاوه پرسشنامهٔ یادشده اعتبار همگرا و تفکیکی خوبی را در پژوهش‌ها نشان داده است (کانر و همکاران، ۲۰۰۰؛ آنتونی[۴] و همکاران، ۲۰۰۶).

بررسی‌های صورت گرفته روی این پرسشنامه در ایران نیز حاکی از ویژگی‌های روان‌سنجی مناسب آن است. در پژوهش عموزاده و همکاران (۱۳۸۹)، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۹ و پایایی بازآزمایی به فاصله دو هفته ۰/۶۸ گزارش شده است. همچنین اعتبار همگرا ۰/۶۴ تا ۰/۷۸به دست آمده است. در پژوهش عطری‌فرد و همکاران (۱۳۹۴) نیز اعتبار سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، مورد تأیید قرار گرفت.

[۲]. Social Phobia Inventory
[۳]. Connor
[۴]. Antony

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

ج) روش اجرا و تحلیل داده‌ها

پس از آماده‌سازی نسخه فارسی AEQ، این پرسشنامه به همراه پرسشنامه‌های BDI-II و SPIN روی نمونه اجرا شد. برای بررسی اعتبار سازه از روش های تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی استفاده شد. برای بررسی اعتبار همگرا، بر مبنای مطالعهٔ کینگ و امونز (۱۹۹۰) که به بررسی اعتبار همگرای پرسشنامه با پرسشنامهٔ افسردگی بک پرداخته‌اند و همچنین با تکیه بر مطالعاتی که از ارتباط بین دوسوگرایی در ابراز هیجان با افسردگی (آلبانی و همکاران، ۲۰۰۷؛ کتز و کمپبل، ۱۹۹۴؛ مونگرین و زاروف، ۱۹۹۴) و اضطراب اجتماعی (اسپوکاس و همکاران، ۲۰۰۰) حکایت دارند، و با توجه به دسته‌بندی شدن این دو اختلال، به عنوان اختلالات هیجانی، همبستگی پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان با پرسشنامه‌های افسردگی بک و هراس اجتماعی محاسبه شد. برای بررسی اعتبار همگرا از داده‌های مربوط به کل افراد نمونه (۵۲۱ نفر= n) استفاده شد. همچنین در این مطالعه، پایایی با استفاده از سه روش، ارزیابی شد: ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی حاصل از دو نیمه‌سازی و ضریب بازآزمایی. برای مُحاسبه آلفای کرونباخ و پایایی حاصل از دو نیمه‌سازی، اطلاعات به‌دست آمده از کل افراد نمونه و برای مُحاسبه ضریب بازآزمایی، اطلاعات به‌دست آمده از ۳۵ نفر از افراد نمونهٔ اصلی که پرسشنامه با رعایت فاصله چهار هفته، دو بار در مورد آن‌ها اجراء شد، مورد استفاده قرار گرفت. در پایایی دو نیمه‌سازی، عبارت‌ها بر اساس زوج و فرد به دو بخش، تقسیم شدند. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS (نسخه‌های ۲۲) انجام شد.

یافته‌ها

در گام نخست، داده‌های جمعیت‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول۱. خصوصیات جمعیت‌شناختی اعضای نمونه

نمونه	جنسیت		مقطع تحصیلی				سن
	فراوانی (درصد)		فراوانی (درصد)				میانگین(انحراف استاندارد)
	مؤنث	مذکر	کارشناسی	دکترای عمومی پزشکی	تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری)		
۳۰۰ نفری	(۷۹/۳)۲۳۸	(۲۰/۷)۶۲	(۸۸/۱)۲۶۵	(۴/۳)۱۳	(۷/۶)۲۳		(۴/۵۸)۱۹/۹۰
۲۲۱ نفری	(۸۲/۴)۱۸۲	(۱۷/۶) ۳۹	(۸۴/۷)۱۸۷	(۶/۸) ۱۵	(۸/۶)۱۹		(۴/۶۶)۲۰/۶۵
کل (۵۲۱ نفر)	(۸۰/۶)۴۲۰	(۱۹/۴) ۱۰۱	(۸۶/۶)۴۵۱	(۵/۴) ۲۸	(۸/۱)۴۲		(۴/۶۲) ۲۰/۲۲

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

بین دو نمونه ۳۰۰ و ۲۲۱ نفری به لحاظ سن (t= -۱/۷۸، P=۰/۰۷)، جنسیت (χ^2= ۰/۷۴ ، P=۰/۳۹) و مقطع تحصیلی (χ^2= ۱/۷۳ ، P=۰/۴۲) تفاوت معناداری وجود نداشت. خصوصیات جمعیت‌شناختی نمونه‌های مورد بررسی در جدول ۱ نشان داده شده است.

به منظور بررسی اعتبار سازه پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان، ابتدا تحلیل عاملی اکتشافی این پرسشنامه بررسی شد. پیش از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، مناسب بودن عبارت‌های آزمون برای تحلیل عاملی با استفاده از شاخص همبستگی نمره‌های هر عبارت با نمره کل تصحیح

جدول۲. مقادیر همبستگی عبارت‌ها با نمره کل تصحیح شده و کجی استاندارد هر عبارت

عبارت	همبستگی با نمره کل تصحیح شده	کجی استاندارد	عبارت	همبستگی با نمره کل تصحیح شده	کجی استاندارد
۱	۰/۵۵	۰/۰۴	۱۵	۰/۴۱	۰/۲۰
۲	۰/۳۵	-۰/۱۲	۱۶	۰/۳۳	-۰/۳۳
۳	۰/۲۸	-۰/۳۰	۱۷	۰/۴۶	۰/۲۹
۴	۰/۱۲	-۰/۲۴	۱۸	۰/۴۷	۰/۳۷
۵	۰/۳۷	-۰/۳۱	۱۹	۰/۴۵	۰/۰۹
۶	۰/۲۴	۰/۳۹	۲۰	۰/۴۱	-۰/۱۴
۷	۰/۳۷	-۰/۳۵	۲۱	۰/۴۸	۰/۰۶
۸	۰/۵۹	-۰/۰۵	۲۲	۰/۴۴	۰/۲۶
۹	۰/۳۸	-۰/۲۶	۲۳	۰/۳۶	-۰/۳۷
۱۰	۰/۴۶	-۰/۴۵	۲۴	۰/۵۶	۰/۳۱
۱۱	۰/۵۱	-۰/۲۸	۲۵	۰/۵۷	۰/۲۸
۱۲	۰/۳۸	-۰/۰۲	۲۶	۰/۳۸	-۰/۵۱
۱۳	۰/۳۶	-۰/۲۶	۲۷	۰/۵۳	۰/۳۷
۱۴	۰/۴۶	-۰/۰۰۷	۲۸	۰/۴۸	-۰/۲۱

شده[۱] (استرینر و نورمن[۲]، ۱۹۹۵) و شاخص کجی استاندارد هر عبارت (فیلد[۳]، ۲۰۰۹) در نمونه ۳۰۰ نفری، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی‌ها در جدول ۲ نشان داده شده‌اند.

بر اساس جدول ۲، بررسی میزان همبستگی عبارت‌ها با نمرهٔ کل تصحیح شده، نشان می‌دهد که به جز عبارت ۴، سایر عبارت‌های پرسشنامه از همبستگیِ با نمرهٔ کل تصحیح شدهٔ خوب (بیشتر از ۰/۲۰) برخوردارند. بررسی میزان کجی استاندارد نیز نشان‌دهندهٔ آن است که این میزان برای تمام عبارت‌ها در دامنهٔ قابل قبول (کوچکتر از ۱/۹۶ و بزرگتر از ۱/۹۶-) قرار دارند. از آنجا که عبارت ۴ در شاخص نخست یعنی همبستگی با نمره کل تصحیح شده در دامنهٔ قابل‌قبول قرار نگرفت، از تحلیل حذف شد. سایر عبارت‌ها که در هر دو شاخص برای تحلیل مناسب تشخیص داده شدند، وارد تحلیل شدند.

برای تحلیل عاملی اکتشافی عبارت‌های پرسشنامه، از چرخش واریماکس که از سایر چرخش‌ها پرکاربردتر، و نتایج آن راحت‌تر قابل تفسیر است(تاباچنیک و فیدل[۴]، ۲۰۱۳) استفاده شده است. همچنین در تحلیل نسخه اصلی نیز از چرخش واریماکس (کینگ و امونز، ۱۹۹۰) استفاده شد. شاخصه‌های آماری به‌دست‌آمده برای تحلیل عاملی مناسب بود (KMO=۰/۸۶؛ Bartlett=۲۲۶۹/۱۷ ;χ^2 ؛P=< ۰/۰۰۱ ؛df=۳۵۱). نتایج حاصل

۱. Corrected item total correlation
۲. Streiner & Norman
۳. Field
۴. Tabachnick & Fidell

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

از تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، با استفاده از چرخش واریماکس، وجود دو عامل را نشان داد.

جدول ۳. نتایج تحلیل مؤلفهٔ اصلی نسخه فارسیِ پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان با استفاده از چرخش واریمکس

عبارت‌ها	عامل ۱	عامل ۲
۱۸ دلم می‌خواهد وقتی کسی را دوست دارم به او بگویم، اما یافتن کلمات مناسب برایم دشوار است.	۰/۷۷	
۲۴ یافتن واژه‌های مناسبی که احساس واقعی من را به دیگران نشان دهند، خیلی سخت است.	۰/۷۶	
۲۷ اغلب نمی‌توانم خود را وادار به ابراز احساس واقعی‌ام کنم.	۰/۷۴	
۱۷ اغلب متوجه شده‌ام که نمی‌توانم به دیگران بگویم که چقدر واقعاً برایم ارزشمند هستند.	۰/۷۰	
۸ اغلب دوست دارم به دیگران نشان دهم چه احساسی دارم اما به نظر می‌رسد چیزی مرا از این‌کار منع می‌کند.	۰/۶۶	
۲۵ نگرانم که اگر هیجان‌های منفی خود مانند ترس و خشم را ابراز کنم، دیگران مرا تأیید نکنند.	۰/۵۴	
۱۱ دوست دارم درباره مشکلاتم با دیگران صحبت کنم، اما گاهی اوقات واقعاً نمی‌توانم.	۰/۵۳	
۱ دلم می‌خواهد هیجان‌هایم را صادقانه ابراز کنم اما می‌ترسم که مبادا انجام این کار باعث شرمندگی یا آسیب دیدن من شود.	۰/۵۲	
۲۲ دوست دارم در واکنش‌های هیجانی‌ام طبیعی‌تر باشم اما اصلاً به نظر نمی‌رسد بتوانم چنین کاری انجام دهم.	۰/۴۶	
۲۰ می‌توانم زمانی را به خاطر بیاورم که آرزو داشتم به کسی بگویم تا چه اندازه واقعاً دلواپسش هستم.	۰/۳۶	
۱۲ وقتی کسی مرا آزرده خاطر می‌کند، تلاش می‌کنم خودم را بی‌تفاوت نشان دهم؛ هرچند دوست دارم به او بگویم چه احساسی دارم.	۰/۳۳	
۶ دوست دارم که مهر و محبتم را بیشتر به شکل جسمی ابراز کنم اما می‌ترسم که دیگران از آن برداشت اشتباهی کنند.	۰/۳۲	
۵ وقتی از انجام کاری واقعاً احساس غرور و افتخار می‌کنم، دلم می‌خواهد آن را به کسی بگویم، اما احساس می‌کنم این تصور به وجود خواهد آمد که فرد خودبین و مغروری هستم.	۰/۳۰	۰/۲۷
۲۳ سعی می‌کنم خشمم را فروبنشانم، اما دوست دارم دیگران بدانند که چه احساسی دارم.		۰/۶۶
۱۳ سعی می‌کنم از خشمگین شدن نسبت به والدینم خودداری کنم، هرچند گاهی اوقات دلم می‌خواهد خشم خودم را نسبت به آنها ابراز کنم.		۰/۵۶
۳ تلاش می‌کنم همیشه خشمم را کنترل کنم؛ هرچند گاهی اوقات دلم می‌خواهد آن را ابراز کنم.		۰/۵۵
۱۶ وقتی خشمگین هستم به بروز دادن خشمم فکر می‌کنم؛ اما سعی می‌کنم از ابرازش خودداری کنم.		۰/۵۲
۱۰ تلاش می‌کنم ترس‌ها و احساس‌های عمیق خودم را پنهان نگاه دارم، اما گاهی اوقات دوست دارم آنها را نزد دیگران آشکار سازم.		۰/۴۸
۲ تلاش می‌کنم تا حسادتی را که متوجه دوستم (یا شریک زندگی‌ام) است، کنترل کنم هرچند مایلم بداند که این موضوع مرا آزرده می‌کند.		۰/۴۶
۲۸ پس از ابراز خشم نسبت به یک فرد، این موضوع به مدت طولانی آزارم می‌دهد.		۰/۴۶
۲۶ پس از ابراز خشم نسبت به یک فرد، احساس گناه می‌کنم.		۰/۴۵
۱۴ سعی می‌کنم به دیگران نشان دهم که آنها را دوست دارم، هرچند گاهی اوقات می‌ترسم که مبادا این کار باعث شود ضعیف یا بسیار حساس به نظر برسم.		۰/۴۵
۷ تلاش می‌کنم دیگران را نگران نکنم با این‌که گاهی اوقات آنها باید حقیقت را بدانند.		۰/۴۵
۲۱ سعی می‌کنم احساس‌های منفی خودم نسبت به دیگران را مخفی کنم، هرچند این کار باعث شود با نزدیکانم صادق نباشم.		۰/۴۳
۱۹ وقتی امور مطابق برنامه پیش نمی‌رود، دوست دارم ناامیدی خودم را ابراز کنم، از طرفی هم نمی‌خواهم نقطه ضعفم آشکار شود.		۰/۴۰
۱۵ سعی می‌کنم وقتی اشتباهی مرتکب می‌شوم عذرخواهی کنم، اما نگرانم این برداشت ایجاد شود که بی‌کفایتم.		۰/۴۰
۹ برای این‌که دیگران را متقاعد کنم که شادتر از آنچه به نظر می‌رسم، هستم تلاش می‌کنم لبخند را برچهره‌ام نگه‌دارم.		۰/۳۴

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

همان‌گونه که جدول۳ نشان می‌دهد، به جز عبارت۵، سایر عبارت‌های پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان از بار عاملی قابل قبول (۳۲≤) برخوردارند (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۱۳). بر این اساس، عبارت ۵ به دلیل داشتن بار عاملی کم و همچنین بارهای عاملی نزدیک به هم در هر دو عامل، حذف می‌شود. بررسی محتوای عبارت‌ها در دو عامل به دست آمده نشان می‌دهد که عامل نخست، دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت و عامل دوم دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی را دربرمی‌گیرد. با این‌حال عبارت‌های ۲۵ و ۱۲ در عامل نخست و عبارت ۱۴ در عامل دوم از نظر محتوایی با سایر عبارت‌ها، هماهنگی ندارد. به این معنا که عبارت‌های ۲۵ و ۱۲ که آشکارا به هیجان‌های منفی اشاره دارند به گونه‌ای نامتناسب، در عامل اول که محتوای آن را هیجان‌های مثبت شکل می‌دهد قرار گرفته‌اند؛ این در حالی است که در نسخه اصلی نیز این دو عبارت، در عامل دوسوگرایی در هیجان‌های مربوط به حق به جانب بودن، قرار دارند. عبارت ۱۴ نیز که محتوای آن آشکارا به هیجان مثبت اشاره دارد و در نسخه اصلی نیز در عامل دوسوگرایی در هیجان‌های مثبت قرار می‌گیرد، به گونه‌ای نامتناسب، در عامل دوم که محتوای آن را هیجان‌های منفی شکل می‌دهد، قرار گرفته است؛ از این‌رو عبارت‌های ۱۲، ۱۴ و ۲۵ نیز نامناسب تشخیص داده شده و حذف می‌شوند. بر این اساس نسخه به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی، یک نسخه ۲۳ عبارتی است که ۱۰ عبارت در عامل نخست (دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت) و ۱۳ عبارت در عامل دوم (دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی) قرار می‌گیرند.

در ادامه بررسی اعتبار سازه، تحلیل عاملی تأییدیِ پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان را بررسی می‌کنیم. در این بخش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا ساختار عاملی به دست آمده در تحلیل عاملی اکتشافی در تحلیل عاملی تأییدی، برازش دارد یا خیر. همچنین از آنجا که ساختار عاملی به دست آمده در تحلیل عاملی اکتشافی با ساختار عاملی پرسشنامهٔ اصلی متفاوت است، به منظور پاسخ به این سؤال که کدام مدل از برازش بهتری برخوردار است، مدل ساختاری پرسشنامهٔ اصلی را نیز در تحلیل عاملی تأییدی بررسی و به مقایسه آن با مدل به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی می‌پردازیم. برای کسب اطمینان از این‌که نتایج تحلیل عاملی تأییدی از اعتبار و قوت لازم برخوردار است، این تحلیل را در یک نمونه متفاوت با نمونه‌ای که تحلیل عاملی اکتشافی از آن استخراج شده است، بررسی می‌کنیم. جدول۴ میانگین و انحراف استاندارد دو نسخه یادشده را در نمونه‌های مورد بررسی و جدول۵ شاخص‌های نیکویی برازش دو مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴. میانگین و انحراف نسخه‌های ۲۸ و ۲۳ عبارتی در شرکت کنندگان بخش اکتشافی و تاییدی

ابزار	نمونه	میانگین	انحراف استاندارد
AEQ نسخه ۲۸ عبارتی	نمونه ۳۰۰ نفری	۸۵/۷۹	۱۶/۲۰
	نمونه ۲۲۱ نفری	۸۵/۹۱	۱۶/۷۳
	نمونه کل (۵۲۱ نفر)	۸۵/۸۲	۱۶/۴۳
AEQ نسخه ۲۳ عبارتی [1]	نمونه ۳۰۰ نفری	۷۰/۲۹	۱۳/۷۲
	نمونه ۲۲۱ نفری	۷۰/۴۷	۱۳/۴۹
	نمونه کل (۵۲۱ نفر)	۷۰/۳۵	۱۳/۷۱

[1]. منظور از نسخهٔ ۲۳ عبارتی، نسخه به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی در این مطالعه است- که در برگیرنده ۲۳ عبارت با حذف عبارت‌های ۴ ، ۵، ۱۲، ۱۴، و ۲۵ است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش در مدل اصلی و مدل به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی AEQ

	ساختار عاملی	χ^2/df	RMR	RMSEA (۹۰٪ CI)	CFI	GFI	AGFI
مدل اصلی	عامل۱: عبارت‌های۱ ، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۷ عامل۲: عبارت‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۳، ۲۵، ۲۶، ۲۸	۱/۳۴	۰/۰۸	۰/۰۳۹ (۰/۰۲۹ -۰/۰۴۹)	۰/۹۲	۰/۸۷	۰/۸۴
مدل به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی	عامل۱: عبارت‌های۱، ۶، ۸، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۷ عامل۲: عبارت‌های۲، ۳، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۸	۱/۲۴	۰/۰۸	۰/۰۳۳ (۰/۰۱۸-۰/۰۴۶)	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۸۸

در این پژوهش برای بررسی برازش دو مدل مورد بحث، از شاخص‌های χ^2 نسبی (نسبت χ^2 به df)، ریشه دوم میانگین مربعات خطای باقی‌مانده (RMR)، ریشه دوم مربعات خطای برآورد (RMSEA)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) استفاده شد.

در ارزیابی برازش مدل، یک شاخص سنتی و رایج، χ^2 است که معنادار نبودن آن در سطح ۰/۰۵ نشان‌دهندهٔ برازش مدل است (بارت[۱]، ۲۰۰۷)؛ با این‌حال این شاخص با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه است. از جملهٔ بارزترین این محدودیت‌ها حساسیت به حجم نمونه است. از آنجا که χ^2 در اصل یک آزمون معناداری آماری است، کاربرد آن در نمونه‌های بزرگ، تقریباً همیشه منجر به رد شدن مدل می‌شود. از طرف دیگر این شاخص در نمونه‌های کوچک، توان خود را از دست می‌دهد. شاخص χ^2 نسبی (χ^2/df) برای حل این مشکل و کاهش اثر حجم نمونه، معرفی شد (ویتون[۲] و همکاران، ۱۹۷۷). اگرچه χ^2 نسبی فاقد یک مقدار ثابت به عنوان نسبت قابل قبول است، ویتون و همکاران (۱۹۷۷) مقادیر کمتر از ۵ و تاباچنیک و فیدل (۲۰۱۳) مقادیر کمتر از ۲ را به عنوان نسبت قابل قبول برای این شاخص معرفی کرده‌اند. مقادیر به دست آمده برای این شاخص در مدل‌های مورد بررسی، از ۲ کمتر و حاکی از برازش خوب هر دو مدل است، با این‌حال در مدل دوم یعنی مدل حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی این نسبت کوچکتر بوده که حاکی از برازش نسبتاً بهتر مدل دوم است. شاخص دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، RMR بود. هو و بنتلر[۳] (۱۹۹۹) مقادیر ۰/۰۸ و کمتر را حد قابل قبول برای پذیرش مدل می‌دانند. از این‌رو این شاخص نیز در هر دو مدل مورد بررسی از میزان مناسب برخوردار است. شاخص بعدی RMSEA است که طی سال‌های اخیر به عنوان یکی از مفیدترین شاخص‌های نیکویی برازش معرفی شده است (دایامنتاپولوس و سیگوا[۴]، ۲۰۰۹). هو و

[۱]. Barrett

[۲]. Wheaton

[۳]. Hu & Bentler

[۴]. Diamantopoulos & Siguaw

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]

[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

بنتلر (۱۹۹۹) مقادیر کمتر از ۰/۰۶ را به عنوان حد قابل قبول برای پذیرش مدل معرفی می‌کنند. بر این اساس مقدار این شاخص در هر دو مدل مورد بررسی حکایت از برازش خوب دارد. شاخص بعدی، CFI است. مقادیر این شاخص بین صفر تا یک متغیر است و هر قدر مقدار آن به یک نزدیک‌تر باشد، مدل از برازش بهتری برخوردار است. هو و بنتلر (۱۹۹۹) مقادیر ۰/۹۵ و بالاتر CFI را به عنوان شاخص یک مدل مطلوب معرفی می‌کنند. در این مطالعه، مقدار شاخص CFI در مدل اول ۰/۹۲ است که در عین حال که به نقطهٔ برش تعیین شده بسیار نزدیک است، اما به حد قابل قبول نرسیده است. در مدل دوم این شاخص بهبود یافته و به حد قابل قبول رسیده است. همچون CFI، شاخص‌های GFI و AGFI نیز بین صفر تا یک متغیر هستند و هر قدر مقدار آنها به یک نزدیک‌تر باشد، از برازش بهتر مدل حکایت دارند. بیرن (۲۰۱۰) مقادیر ۰/۹۰ و بالاتر را به عنوان برازش مدل در این دو شاخص معرفی کرده‌اند. در مطالعهٔ حاضر، شاخص‌های یاد شده در مدل نخست به حد قابل قبول نرسیده‌اند. در مدل دوم GFI از ۰/۹۰ بالاتر است و شاخص AGFI بسیار به میزان مورد قبول نزدیک است. در مجموع مدل دوم در مقایسه با مدل نخست از برازش بهتری برخوردار است.

به منظور بررسی پایایی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان (نسخه ۲۳عبارتی)، ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی به روش دو نیمه‌سازی (اسپیرمن- براون) و همچنین ضریب بازآزمایی با فاصله ۴ هفته محاسبه شد که نتایج آن در جدول۶ آمده است. همان‌طور که در جدول۶ آمده است، سطح آلفای کرونباخ و ضرایب اسپیرمن-براون برای کل پرسشنامه و همچنین خرده‌مقیاس‌ها، همسانی درونی بالایی را نشان می‌دهد. بررسی پایایی بازآزمایی با فاصلهٔ چهار هفته نیز حاکی از پایایی مناسب برای کل پرسشنامه و عامل‌های به دست آمده است.

جدول۶. پایایی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان و همبستگی آن پرسشنامه افسردگی بک و پرسشنامه هراس اجتماعی

	آلفای کرونباخ	ضریب اسپیرمن- براون	ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله ۴ هفته	همبستگی پیرسون با BDI-II M= ۱۲/۲۱ Sd=۹/۶۶	همبستگی پیرسون با SPIN M= ۳۷ Sd= ۱۲/۱۶
عامل۱	۰/۸۲	۰/۸۵	**۰/۷۷	**۰/۳۷	**۰/۴۵
عامل۲	۰/۷۷	۰/۷۷	**۰/۷۲	**۰/۲۵	**۰/۳۰
نمره کل	۰/۸۶	۰/۸۸	**۰/۷۹	**۰/۳۵	**۰/۴۳

$P<$ ۰/۰۱

به منظور بررسی اعتبار همگرای پرسشنامه، همبستگی آن با دو پرسشنامهٔ افسردگی بک و هراس اجتماعی محاسبه شد که نتایج آن در جدول۶ آمده است. بر این اساس پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان و عامل‌های تشکیل‌دهندهٔ آن، همبستگی معناداری را با دو پرسشنامهٔ یادشده نشان می‌دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی پایایی و اعتبار نسخه فارسی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان پرداخته است. در این راستا، تحلیل عاملی اکتشافی، یک ساختار دو عاملی را برای این پرسشنامه نشان می‌دهد. کینگ و امونز (۱۹۹۰) نیز در بررسی نسخهٔ اصلی، به دو عامل دست یافتند: عامل نخست، دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت (همانند عشق و محبت) و عامل دوم، دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن (هیجان‌هایی همانند خشم و حسادت). بررسی محتوای عبارت‌های عامل‌های به دست آمده در مطالعهٔ حاضر نیز نشان می‌دهد که عامل نخست، دربرگیرندهٔ عبارت‌هایی است که منعکس‌کننده هیجان‌های مثبت است؛ در حالی‌که عامل دوم، دربرگیرندهٔ عبارت‌هایی است که منعکس‌کنندهٔ هیجان‌های منفی است. در واقع دو عامل به دست آمده در این مطالعه با دو عامل به دست آمده در نسخهٔ اصلی، تفاوت‌های ظریفی دارند. در نسخهٔ اصلی، عامل دوم که دربرگیرنده هیجان‌های منفی است از عبارت‌هایی تشکیل شده که مشخصاً به هیجان‌های خشم و حسادت (به عنوان مثال ۱۳، ۱۶، ۲۳، ۲۶) اشاره دارند. در حالی‌که عبارت‌های دربرگیرندهٔ سایر هیجان‌های منفی همانند ترس و نگرانی، به عنوان مثال عبارت‌های ۱۰ و ۲۱، در عامل نخست قرار می‌گیرند و شاید به همین دلیل است که سازندگان، نام «هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن» را به جای هیجان‌های منفی برای آن برگزیده‌اند. این در حالی است که در تحلیل نسخهٔ فارسی، عبارت‌های دربرگیرنده تمام هیجان‌های منفی اعم از ترس، خشم، حسادت، و نگرانی ذیل یک عامل تعریف شده‌اند و در مقابل، عامل دیگر نیز به طور شفاف‌تر دربرگیرندهٔ عبارت‌هایی است که به هیجان‌های مثبت اشاره دارند. از این‌رو عامل نخست به دست آمده در مطالعهٔ حاضر را می‌توان دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت نامید که به لحاظ محتوایی نسبت به عامل متناظر در نسخه اصلی، خالص‌تر است. عامل دوم را نیز می‌توان دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی نامید که با عامل دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های حق به جانب بودن تا حدودی متفاوت است؛ در واقع این عامل در مقایسه با عامل متناظر در نسخه اصلی، به شکل فراگیرتری تمام عبارت‌های مرتبط با هیجان‌های منفی را در برمی‌گیرد. یک علت احتمالی در تبیینِ یافتهٔ یادشده می‌تواند آن باشد که در فرهنگ‌های فرد گرای غرب، معیار اصلی در تفکیک هیجان‌ها، میزان برانگیختگی در تجربه هیجان است. بر این اساس در تفکیک هیجان‌هایی همانند شادی، دوست داشتن، ترس، آزردگی، خشم و حسادت، با ملاک قرار دادن *میزان برانگیختگی*، هیجان‌ها به دو دستهٔ با برانگیختگی پایین (شادی، دوست داشتن، ترس، آزردگی) و با برانگیختگی بالا (خشم و حسادت) تقسیم‌بندی می‌شوند. هیجان‌های همراه با برانگیختگی بالا، هیجان‌هایی هستند که فرد را در جهت حفظ منافع و محافظت از خود برمی‌انگیزند. در مقابل در فرهنگ ایرانی، به نظر می‌رسد معیار اصلی در تفکیک هیجان‌ها، *احساس مثبت (خوشایند) یا منفیِ (ناخوشایند)* همراه با آنهاست. بر این اساس در تفکیک هیجان‌هایی مانند شادی، دوست داشتن، ترس، آزردگی، خشم و حسادت، با ملاک قرار دادن خوشایند یا ناخوشایند بودن، هیجان‌ها به دو دسته مثبت (شادی، دوست داشتن) و منفی (ترس، آزردگی، خشم و حسادت) تقسیم می‌شوند. احتمالاً این موضوع به تفاوت در ساختار عاملی پرسشنامه در فرهنگ غرب و فرهنگ ایرانی منجر شده است. این تفاوت با پیشینه پژوهشی موجود که نشان می‌دهد تفاوت‌های فرهنگی عمده و قابل توجهی در نحوه ادراک و تجلی هیجان (ماتسوماتو، سونگ‌هی و فوتنین[۱]، ۲۰۰۸؛ کوپمن هولم[۲] و ماتسوماتو، ۲۰۱۱؛ سرید[۳]، ۲۰۱۵) و همچنین طبقه‌بندی هیجان‌ها (راسل[۴]، ۱۹۹۱) وجود دارد، همسو است. یک تبیین احتمالی دیگر برای تفاوت‌های فرهنگی مشاهده شده در طبقه‌بندی هیجان می‌تواند به تفاوت های فرهنگی که درباره تصور از خویشتن وجود دارد، مرتبط باشد. خود مستحق‌شماری در فرهنگ غربی، صفتی نکوهیده پنداشته می‌شود، و ارزش داوری‌هایی مثبتی درباره آن وجود دارد، ولی در فرهنگ‌های جمع‌گرایی مثل ایران، بیشتر نوعی صفت منفی و نشانه تکبر و فخرفروشی در نظر گرفته می‌شود. هرچند پژوهشی که مستقیماً اثر تفاوت‌های فرهنگی در سازهٔ «تصور از خویشتن» را بر ادراک هیجانی نشان دهد، یافت نشد، اما پژوهش‌های موجود از یک سو نشان می‌دهند که تصور فرد از خود تحت تأثیر فرهنگ، به ویژه به لحاظ فردگرا یا جمع‌گرا

[۱]. Matsumoto, Seung Hee & Fontaine
[۲]. Koopmann-Holm
[۳]. Sarid
[۴]. Russell

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

بودن بافت فرهنگی، قرار دارد (مارکوس و کیتایاما[1]، ۱۹۹۱؛ آکر و لی[2]، ۲۰۰۱) و از سوی دیگر بر رابطه تصور از خویشتن با تجربه و تجلی هیجانی (مونل[3] و همکاران، ۲۰۱۵) تأکید دارند.

در مجموع تفاوت ساختار عاملی نسخه فارسیِ پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، با نسخه اصلی را می‌توان در قالب چند نکته خلاصه کرد: نخست این‌که عبارت۴ پرسشنامه (*تلاش می‌کنم از قهر و اخم کردن اجتناب کنم حتی وقتی که چنین احساسی دارم*) که در نسخه اصلی ذیل عامل دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن، قرار دارد، در نسخهٔ فارسی به دلیل همبستگی پایین با نمره کل تصحیح شده، حذف شد. دوم این‌که عبارت۵ (*وقتی از انجام کاری واقعاً احساس غرور و افتخار می‌کنم دلم می‌خواهد آن را به کسی بگویم، اما احساس می‌کنم این تصور به وجود خواهد آمد که فرد خودبین و مغروری هستم*) به دلیل داشتن بار عاملی کم و همچنین بارهای عاملی نزدیک به هم، در هر دو عامل حذف شد. سوم، عبارت‌های۱۲ (*وقتی کسی مرا آزرده خاطر می‌کند، تلاش می‌کنم خودم را بی‌تفاوت نشان دهم هرچند دوست دارم به او بگویم چه احساسی دارم*) و ۲۵ (*نگرانم که اگر هیجان‌های منفی خود مانند ترس و خشم را ابراز کنم، دیگران مرا تأیید نکنند*) که در نسخهٔ اصلی در عامل دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن، قرار دارند در تحلیل نسخهٔ فارسی به گونهٔ نامتناسبی ذیل عامل دوسوگرایی در هیجان‌های مثبت قرار گرفتند و به این دلیل حذف شدند. چهارم، عبارت ۱۴ (*سعی می‌کنم به دیگران نشان دهم که آنها را دوست دارم، هرچند گاهی اوقات می‌ترسم که مبادا این کار باعث شود ضعیف یا بسیار حساس به نظر برسم*) که به یک هیجان مثبت اشاره دارد و در نسخه اصلی در عامل دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت قرار دارد، در تحلیل عاملی اکتشافی به گونه نامناسبی در عامل دوم (هیجان‌های منفی) قرار گرفت و به این دلیل حذف شد. علاوه بر این، عبارت‌های ۷ (*تلاش می‌کنم دیگران را نگران نکنم با این‌که گاهی اوقات آنها باید حقیقت را بدانند*)، ۹ (*برای این‌که دیگران را متقاعد کنم که شادتر از آنچه به نظر می‌رسم، هستم، تلاش می‌کنم لبخند را برچهره‌ام نگه‌دارم*)، ۱۰ (*تلاش می‌کنم ترس‌ها و احساس‌های عمیق خودم را پنهان نگاه دارم، اما گاهی اوقات دوست دارم آنها را نزد دیگران آشکار سازم.*) و ۲۱ (*سعی می‌کنم احساس‌های منفی خودم نسبت به دیگران را مخفی کنم، هرچند این کار باعث شود با نزدیکانم صادق نباشم*) که در نسخهٔ اصلی در عامل دوسوگرایی در هیجان‌های مثبت قرار داشتند، در تحلیل نسخهٔ فارسی در عامل دوسوگرایی در هیجان‌های منفی قرار گرفتند. بررسی محتوای این عبارت‌ها نشان می‌دهد محتوای این عبارت‌ها با هیجان‌های منفی سازگارتر است. به عنوان مثال در عبارت ۷، این برداشت وجود دارد که یک موضوع یا هیجان منفی مطرح است که تلاش می‌شود با پنهان نگاه داشتن آن، مانع از نگرانی دیگران شد. عبارت ۹ نیز این برداشت را ایجاد می‌کند که لبخند زدن و تظاهر به شادی که به آن اشاره شده است به منظور پنهان نگاه داشتن و جلوگیری از بروز و ظهور یک هیجان منفی است. همان‌طور که اشاره شد تفاوت‌های یاد شده می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی در برداشت پاسخ‌دهندگان باشد. در هر حال به نظر می‌رسد نسخهٔ فارسی، ساختار عاملیِ خالص‌تری دارد.

گام بعدیِ مطالعه، بررسی تحلیل عاملیِ تأییدیِ پرسشنامه بود. در این مرحله از آنجا که تحلیل عاملی اکتشافیِ پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، منجر به ایجاد ساختاری متفاوت با ساختار نسخه اصلی شد، برازش هر دو مدل اصلی و مدل حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی را مد نظر قرار دادیم. نتایج این بررسی، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی است.

بررسی پایایی همسانی درونی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان به دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه‌سازی نیز حاکی از آن است که این پرسشنامه از همسانی درونی خوبی برای کل مقیاس (آلفای کرونباخ= ۰/۸۶؛ ضریب اسپیرمن- براون= ۰/۸۸) و خرده‌مقیاس‌های دوسوگرایی در هیجان‌های مثبت (آلفای کرونباخ= ۰/۸۲؛ ضریب اسپیرمن- براون= ۰/۸۵) و دوسوگرایی در هیجان‌های منفی (آلفای کرونباخ= ۰/۷۷؛ ضریب اسپیرمن- براون= ۰/۷۷) برخوردار است. این یافته با نتایج مطالعه کینگ و امونز (۱۹۹۰) که همسانی درونی بالایی را برای این پرسشنامه و خرده‌مقیاس‌های آن گزارش کرده‌اند

[1]. Markus & Kitayama
[2]. Aaker & Lee
[3]. Monell

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

(آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای کل پرسشنامه، ۰/۸۷ برای خرده‌مقیاس دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت و ۰/۷۷ برای خرده‌مقیاس دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن) همخوانی دارد. همچنین این یافته با نتایج پژوهش رفیعی‌نیا (۱۳۸۰) نیز مطابقت دارد که ضرایب آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ و برای خرده‌مقیاس‌های دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت و دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مرتبط با حق به جانب بودن به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۷ گزارش کرده است.

بررسی پایاییِ بازآزماییِ نسخه پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان (با فاصله ۴ هفته) نیز حاکی از پایایی قابل قبول آن است (۰/۷۹ برای کل پرسشنامه؛ ۰/۷۷ برای دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت؛ ۰/۷۲ برای خرده‌مقیاس دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی) که این یافته نیز با یافتهٔ کینگ و امونز (۱۹۹۰) که پایایی بازآزمایی با فاصلهٔ ۶ هفته را برای کل پرسشنامه ۰/۷۸ گزارش کردند، همخوان است.

بررسی اعتبار همگرایِ پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، از طریق محاسبهٔ همبستگی آن با پرسشنامه افسردگی بک و پرسشنامهٔ هراس اجتماعی نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مثبت معنادار نمره‌های دوسوگرایی در ابراز هیجان با افسردگی و اضطراب اجتماعی است. همبستگی‌های به دست آمده در این مطالعه با همبستگی‌های گزارش شده در رابطه با نسخهٔ اصلی همخوانی دارد. به عنوان مثال کینگ و امونز (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱) همبستگی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان با پرسشنامه افسردگی بک را ۰/۳۹ و با شاخص افسردگی پرسشنامه خلاصهٔ علائم روانپزشکی[۱] (BSI) ۰/۲۶ تا ۰/۲۸ گزارش کرده‌اند. در مطالعه حاضر نیز همبستگی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان و خرده‌مقیاس‌های آن با پرسشنامهٔ افسردگی بک از ۰/۲۵ تا ۰/۳۷ به دست آمد. همچنین در مطالعات کینگ و امونز (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱) همبستگی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان، با شاخص حساسیت بین‌فردی پرسشنامه خلاصهٔ علائم روانپزشکی، ۰/۴۴ تا ۰/۴۵ و با شاخص ترس و اضطراب ۰/۳۱ به دست آمد که با همبستگی‌های ۰/۳۰ تا ۰/۴۵ به دست آمده برای پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان و پرسشنامه اضطراب اجتماعی هماهنگی دارد. همچنین این نتایج با سایر مطالعاتی که حاکی از ارتباط بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و افسردگی (آلبانی و همکاران، ۲۰۰۷؛ وینکلمن، ۲۰۰۰؛ کتز و کمپبل، ۱۹۹۴؛ مونگرین و زاروف، ۱۹۹۴؛ تاکر و همکاران، ۱۹۹۹) و اضطراب اجتماعی (اسپوکاس و همکاران، ۲۰۰۰) است، همسو است. نکتهٔ قابل توجه دیگر در این رابطه، آن است که همبستگی خرده‌مقیاسِ دوسوگرایی در هیجان‌های مثبت با شاخص‌های افسردگی و اضطراب اجتماعی به طور قابل توجهی بیشتر از همبستگی بین خرده-مقیاس دوسوگرایی در هیجان‌های منفی با این شاخص‌هاست. در نتیجه به نظر می‌رسد تعارض در ابراز هیجان‌های مثبتی چون عشق و محبت بیش از تعارض در ابراز هیجان‌هایی چون خشم و ترس با افسردگی و اضطراب اجتماعی رابطه دارد. این یافته، با یافته‌های مطالعاتی که نشان داده‌اند این دو اختلال بیشتر با مشکل در هیجان‌های مثبت ارتباط دارند تا هیجان‌ها منفی، همسو است. به عنوان مثال، نتایج مطالعهٔ ببلو[۲] و همکاران در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که رابطهٔ نمره‌های افسردگی با فرونشانی هیجان‌های مثبت قوی‌تر از رابطه آن با فرونشانی هیجان‌های منفی است. در این راستا هچمن[۳] و همکاران (۲۰۱۳) نیز اختلال افسردگی اساسی و اختلال اضطراب اجتماعی را به عنوان دو اختلال هیجانی که مشخصهٔ آنها، اختلال در هیجان‌های مثبت است، معرفی نموده‌اند. در واقع هرچند بر اساس مدل سه مؤلفه‌ای واتسون و کلارک (واتسون، کلارک، و کری[۴]، ۱۹۸۸)، اختلال در عاطفه‌مثبت، عنصر آسیب‌شناختی منحصربه فرد افسردگی و عاطفه منفی عنصر آسیب‌شناختی مشترک افسردگی و اضطراب است؛ اما مطالعات جدیدتر نشان داده‌اند که اختلال اضطراب اجتماعی از این جهت از سایر اختلالات اضطرابی متمایز است و به لحاظ آسیب‌شناسی شباهت ویژه‌ای به افسردگی دارد؛ به این معنا که در این اختلال نیز کمبود و نقص در عاطفه مثبت در کنار عاطفه منفی مشاهده می‌شود (ویتنگل و هالت[۵]، ۱۹۹۸؛ ویسمن[۶] و همکاران، ۲۰۱۵).

همچنین این یافته را می‌توان از جهتی با مدل تحلیلی فروید در رابطه با افسردگی نیز همخوان دانست. بر اساس این مدل،

[۱]. Brief Symptom Inventory

[۲]. Beblo
[۳]. Hechtman
[۴]. Watson, Clark & Carey
[۵]. Vittengl & Holt
[۶]. Weisman

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

افسردگی در نتیجه از دست دادن واقعی یا خیالی ابژه عشق[1] ایجاد می‌شود که به از دست دادن توانایی عشق ورزیدن، توانایی لذت بردن از جهان و همچنین از دست دادن عزت نفس منجر می‌شود. هرچند از جهتی دیگر در مدل تحلیلی، افسردگی با خشم درونی شده در ارتباط است، می‌توان گفت در این مدل نیز مکانیسم محوری دخیل در افسردگی فقدان یا از دست دادن عشق، کارکرد یک هیجان مثبت را دارد (سادوک[2] و سادوک، ۲۰۱۴؛ مک‌لود[3]، ۲۰۱۵). پژوهش‌های آینده می توانند با طرح‌های آزمایشی این مسأله را بررسی کند که افسردگی و اضطراب بیشتر نتیجه دوسوگرایی در ابراز هیجان های مثبت مانند عشق است و یا ناشی از دو سوگرایی در ابراز هیجان های منفی.

در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت نسخهٔ فارسی پرسشنامهٔ دوسوگرایی در ابراز هیجان از ویژگی‌های سنجشی مناسبی برخوردار است. با این‌حال در این رابطه دو نکته را باید مورد توجه قرار داد. نخست این‌که پرسشنامهٔ مورد نظر در جمعیت دانشجویی مورد بررسی قرار گرفته است؛ از این‌رو تعمیم نتایجِ به‌دست آمده به جمعیت‌های دیگر، باید با احتیاط صورت گیرد. بررسی این ابزار در جمعیت‌های دیگر (جمعیت عمومی غیر دانشجویی و جمعیت بالینی) یک گام پیشنهادی برای پژوهش‌های بعدی است که می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌های مطالعه حاضر به جمعیت غیردانشجویی کمک کند. از سوی دیگر بخش قابل توجهی از نمونه پژوهش حاضر را زنان تشکیل می‌دهند که تعمیم‌پذیری نتایج به مردان را با محدودیت مواجه می‌سازد؛ رفع این محدودیت در پژوهش‌های آینده به گونه‌ای که به حفظ تعادل در نسبت جنسیتی نمونه مورد پژوهش بیانجامد نیز می‌تواند به گسترش دامنه تعمیم‌پذیری یافته‌های مطالعه حاضر منجر شود.

تقدیر و تشکر

از تمامی دانشجویانی که در این پژوهش شرکت کردند، سپاسگزاریم.

[1]. Loved object
[2]. Sadock
[3]. McLeod

منابع

Aaker, J. L., & Lee, A. Y. (۲۰۰۱). “I” seek pleasures and “we” avoid pains: the role of self-regulatory goals in information processing and persuasion. Journal of Consumer Research, ۲۸(۱), ۳۳-٤۹.

Albani, C., Blaser, G., Völker, J., Geyer, M., Schmutzer, G., Bailer, H. et al. (۲۰۰۷). Ambivalence over Emotional Expressiveness: psychometric evaluation of the AEQ-G۱۸ in a representative German survey. *GMS Psycho-Social-Medicine*, ۴, ۱-۱۳

Amoozadeh, M. H., Bagheri, A., & Shairi., M. R. (۲۰۱۰). Reliability and validity of SPIN in nonclinical students’ samples. ۵th Seminar of students’ mental health, ۷۵-۷۶. [Persian]

Antony, M. M., Coons, M. J., McCabe, R. E., Ashbaugha, A., & Swinsona,R. P. (۲۰۰۶). Psychometric properties of the social phobia inventory: Further evaluation. *Behaviour Research and Therapy*, ۴۴, ۱۱۷۷–۱۱۸۵.

Atrifard, M., Mokhberiannezhad, R., Zarei, A., & Hoseini, M. (۲۰۱۵). Factor structure of the Persian form of social phobia inventory in an Iranian nonclinical sample. *Research in psychological health*, ۹(۲), ۴۰-۵۳. [Persian]

Barrett, P. (۲۰۰۷). Structural Equation Modelling: Adjudging Model Fit. *Personality and Individual Differences*, ۴۲ (۵), ۸۱۵-۲۴.

Beblo, T., Fernando, S., Klocke, S., Griepenstroh, J., Aschenbrenner, S., & Driessen, M. (۲۰۱۲). Increased suppression of negative and positive emotions in major depression. *Journal of Affective Disorders*,۱۴۱(۲-۳), ۴۷۴-۴۷۹.

Bergman, K. N., Cummings, M. & Davies, P. T. (۲۰۱٤). Interparental aggression and adolescent adjustment: The role of emotional insecurity and adrenocortical activity. *Journal of Family Violence*, ۲۹(۷), ۷٦۳-۷۷۱.

Boon Ooi, L. (۲۰۱۳). Ambivalence over emotional expression and symptom attribution are associated with self-reported somatic symptoms in Singaporean school adolescents. *Asian Journal of Social Psychology*, ۱٦ (۳),۱٦۹-۸۰.

Brown, T. A. (۲۰۰٦). Confirmatory factor analysis for applied research. New York: Guilford.

Byrne, B. M. (۲۰۱۰). Structural Equation Modeling with AMOS: Basic concepts, applications and

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]
[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

Field, A. P. (۲۰۰۹). Discovering statistics using SPSS.۱۰th ed. London: Sage Publications

Garson, D. G. (۲۰۰۸). Factor Analysis [Internet]. North Carolina State University: Statnotes; Available from: http://www۲.chass.ncsu.edu/garson/pa۷۶۵/factor.htm.

Ghassemzadeh, H., Mojtabai, R., Karamghadiri, N., & Ebrahimkhani, N. (۲۰۰۵). Psychometric properties of a Persian-language version of the Beck Depression Inventory--Second edition: BDI-II-PERSIAN. *Depression and Anxiety*, ۲۱(۴), ۱۸۵-۱۹۲.

Hechtman, L. A., Raila, H., Chiao, J. Y., & Gruber, J. (۲۰۱۳). Positive emotion regulation and psychopathology: A transdiagnostic cultural neuroscience approach. *Journal of Experimental Psychopathology*, ۴(۵), ۵۰۲-۵۲۸.

Hu, L.T. & Bentler, P.M. (۱۹۹۹). Cutoff Criteria for Fit Indexes in Covariance Structure Analysis: Conventional Criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, ۶ (۱), ۱-۵۵.

Ivanova, I. V. (۲۰۰۶). The role of emotional expressiveness and ambivalence over expression in romantic relationships. M. A thesis, Canada: Toronto

Katz, I. M., & Campbell, J. D. (۱۹۹۴). Ambivalence over emotional expression and well-being: nomothetic and idiographic tests of the stress-buffering hypothesis. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۶۷, ۵۱۳–۵۲۴.

King, L.A.(۱۹۹۸). Ambivalence over emotional expression and reading in situations and faces. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۷۴(۳), ۷۵۳ -۷۶۲.

King, L. A., & Emmons, R. A. (۱۹۹۰). Conflict over emotional expression: psychological and physical correlates. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۵۸, ۸۶۴–۸۷۷.

King, L. A., & Emmons, R. A. (۱۹۹۱). Psychological, physical, and interpersonal correlates of emotional expressiveness, conflict, and control. *European Journal of Personality*, ۵, ۱۳۱–۱۵۰.

King, L.A. (۱۹۹۳). Emotional expression, ambivalence over expression and marital satisfaction. *Journal of Social and Personal Relations*, ۱۰, ۶۰۱-۶۰۷.

programming. ۲nded. New York: Taylor and Francis group.

Choi, J. Y. & Suh, K. H. (۲۰۱۵). Ambivalence over emotional expressiveness and interpersonal anxiety. *Korean Journal of Health Psychology*, ۲۰ (۱), ۱۷۵-۱۹۱.

Comrey, A. L., & Lee, H. B. (۱۹۹۲). A First Course in Factor Analysis. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.

Connor, K. M., Davidson. J. R. T., Churchill, L. E., Sherwood, A., Foa, E., & Weisler. R. H. (۲۰۰۰). Psychometric properties of the social phobia inventory (SPIN). *British journal of psychiatry*, ۱۷۶, ۳۷۹-۳۸۶.

Dibaei, S., janbozorghi, M., arefnazar, M. (۲۰۰۹). The relation between emotional ambivalence and emotional control in mothers and anxiety in children with cancer and the modifying role of children's sex. *Research in psychological health*, ۳ (۱), ۵۵-٦٤. [Persian]

Diamantopoulos, A., & Siguaw, J. A. (۲۰۰۹). Introducing LISREL: A guide for the uninitiated. New York: Sage.

Dozois, D. J. A., & Dobson, K (۲۰۱۰). Depression. In M. M Antony & D. H Barlow(Ed). Handbook of assessment and treatment planning for psychological disorders. ۲nd edition. New York: Guilford Press.

Emmons, R. A., King, L. A., & Woodley, S. (۱۹۹۲). The structure of inhibition. Journal of research in personality, ۲۶, ۸۵-۱۰۲.

Emmons, R.A., & Colby, P. M. (۱۹۹۵). Emotional conflict and well being, relation to perceived availability, daily utilization and observer reports of social support. *Journal of Personalityand Social Psychology*, ۶۸(۵), ۹۴۷ – ۹۵۹.

Emmons. R. A. & King. L. A. (۱۹۸۸). Conflict among personal strivings: immediate and long-term implications for psychological and physical well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۵۴(۶),۱۰۴۰-۸.

Everitt, B. S. (۱۹۷۵). Multivariate analysis: The need for data, and other problems. *British Journal of Psychiatry*, ۱۲۶, ۲S۷-۲۴۰.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]

[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

attitudes. *Personality and Individual Differences*, ۳۸, ۱۱۶۳–۱۱۷۳.

RafieeNia, P. (۲۰۰۲). The relationship between emotional expressiveness styles and general healt in students. M.A thesis, Tehran: Tarbiat Modares University. [Persian]

Russell, James A. (۱۹۹۱). Culture and the categorization of emotions. *Psychological Bulletin*, ۱۱۰(۳), ٤۲٦-٤٥۰.

Sadock, B. J., Sadock, V. A., & Riuz, P. (۲۰۱٤). Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry, ۱۱th ed. Philadelphia: wolters Kluwer.

Sarid, O. (۲۰۱٥). Assessment of anger terms in hebrew: a gender comparison. *Journal of Psychology*, ۱٤۹, ۳۰۳–۳۲٤.

Servaes , P., Vingerhoets, A. J. J. M., Vreugdenhil, G., & Keuning, J. J. A. M. (۱۹۹۹). Inhibition of Emotional Expression in Breast Cancer Patients.*Behavioral Medicine*, ۲٥(۱), ۲۳-۲۷

Shahi Sadrabad, i. F., Khosravi, Z., & Banijamali, S. (۲۰۱٤). Expressiveness, control and ambivalence in emotional expression in patients with Obsessive personality disorder, Obsessive-compulsive disorder and the normal group. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, ۸(۳۲), ۷-۱٦. [Persian]

Spokas, M., Luterek, J. A., & Heimberg, R. H. (۲۰۰۹). Social anxiety and emotional suppression: The mediating role of beliefs. *Journal of Behavioral Therapy & Experimental Psychiatry*, ٤۰, ۲۸۳-۲۹۱.

Streiner, D. L. & Norman, G. R. (۱۹۹٥). Health measurement scales: A practical guide to their development and use. New York: Oxford University Press.

Tabachnick, B.G. & Fidell, L. S. (۲۰۱۳). Using multivariate statistics. ٦th edition. Pearson education Inc.

Taheri, F., Shahgholian, M., & Kashefi Neyshaboori, J. (۲۰۱٤). The Relationship between Attachment Styles, Ambivalence over Emotional Expressiveness and Alexithymia. *Research in Psychological Health*, ۸ (۱):۳۱-٤۰. [Persian]

Townsend, K. C. (۲۰۰۳). Late adolescent psychological adjustment: Role of individuation, sex, social

Koopmann-Holm, B., and Matsumoto, D. (۲۰۱۱). Values and display rules for specific emotions. *Journal of Cross Cultural Psychology*, ٤۲, ۳٥٥–۳۷۱.

Krause, E. D., Robins, C. J., & Lynch, T. R. (۲۰۰۰). A mediational model relating sociotropy, ambivalence over emotional expression and disordered eating. *Psychology of Women Quarterly*, ۲٤, ۲۸–۳٥.

Hasani, J., & Bemani, B. (۲۰۱٥). The relationship between emotional expression styles and D personality type. *Medical Sciences Journal of Islamic Azad University*, ۲٥(۲), ۱٤۱-۱٥۰. [Persian]

Matsumoto, D., Seung Hee, Y., and Fontaine, J. (۲۰۰۸). Mapping expressive differences around the world: the relationship between emotional display rules and individualism versus collectivism. *Journal of Cross Cultural Psychology*, ۳۹, ٥٥–۷٤.

Markus, H. R., & Kitayama, S. (۱۹۹۱). Culture and the self: implications for cognition, emotion, and motivation. Psychological Review, ۹۸(۲), ۲۲٤-۲٥۳.

McLeod, S. A. (۲۰۱٥). Psychological theories of depression. Retrieved from www.simplypsychology.org/depression.html

Monell, E., Högdahl, L., Mantilla, E. F., & Birgegård, A. (۲۰۱٥). Emotion dysregulation, self-image and eating disorder symptoms in University Women. *Journal of Eating Disorders*, ۳, ٤٤.

Mongrain, M. & Zuroff, D. (۱۹۹٤). Ambivalence over emotional expression and negative life events: Mediators of depressive symptoms in dependent and self-critical individuals. *Personal and individual Differences*, ۱٦(۳), ٤٤۷-٤٥۸

Myers, N. D., Ahn, S., & Jin, Y. (۲۰۱۱). Sample size and power estimates for a confirmatory factor analytic model in exercise and sport: a Monte Carlo approach. *Research quarterly for exercise and sport*, ۸۲(۳), ٤۱۲-٤۲۳.

Ji Soon, P. et al (۲۰۰۸). The effect of emotional awareness deficit, emotional expressivity, ambivalence over emotional expressiveness on somatization, depression and stress experience frequency. *Korean Journal Health Psychology*, ۱۳(۳), ٥۷۱-٥۸۱.

Pennebaker, J. W. Hughes, C. F. & O'Heeron, R. C. (۱۹۸۷). The psychophysiology of confession: Linking inhibitory and psychosomatic processes. *Journal of Personality and Social Psychology*, ٥۲, ۷۸۱-۷۹۳.

Quinton, T. &Wagner, H. L. (۲۰۰٥). Alexithymia, ambivalence over emotional expression, and eating

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]

[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]

and depressive disorders. *Journal of Abnormal Psychology*, ۹۱(۳), ۳٤٦-۳٥۳.

Weisman, J. S., Rodebaugh, T. L. , Brown, P. J., & A., Mulligan. E. (۲۰۱٥). Positive Affect and Social Anxiety Across the Lifespan: An Investigation of Age as a Moderator. Clinical Gerontologist, ۳۸(۱), ۱-۱۸.

Wheaton, B., Muthen, B., Alwin, D., F., and Summers, G. (۱۹۷۷). Assessing Reliability and Stability in Panel Models. *Sociological Methodology*, ۸ (۱), ۸۴-۱۳۶.

Winkelman, D. K. (۲۰۰۰). The Relationship Among Ambivalence over the Inhibition and Expression of Specific Emotions, Physical Health, and Psychological Well-Being. Ph. D thesis, USA: Brandeis University connectedness and ambivalence ove emotional expression. Ph. D thesis, USA: University of Oregon.

Tucker, J. S., Winkelman, D. K., Katz, J. N., Bermas, B. L. (۱۹۹۹). Ambivalence Over Emotional Expression and Psychological Well-Being Among Rheumatoid Arthritis Patients and Their Spouses. *Journal of Applied Social Psychology*, ۲۹ (۲), ۲۷۱-۲۹۰

Vittengl, J. R. & Holt, C. S. (۱۹۹۸). Positive and Negative Affect in Social Interactions as a Function of Partner Familiarity, Quality of Communication, and Social Anxiety. *Journal of Social and Clinical Psychology*, ۱۷(۲), ۱۹٦-۲۰۸.

Watson, D., Clark, L. A., & Carey, G. (۱۹۸۸). Positive and negative affectivity and their relation to anxiety

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1396.11.1.1.3]

[DOI: 10.29252/rph.11.1.74]